

حکمرانی حکمت‌بنیان در میراث فرهنگی ضرورتی برای تعالی فرهنگ عمومی



حجت‌الاسلام والمسلمین
عبدالحسین خسروپناه
دبیر شورای عالی انقلاب
فرهنگی

بین‌المللی و حفاظت از میراث فرهنگی را کاهش دهد.

در این میان، مالکیت فکری به‌عنوان یکی از مقوله‌های کلیدی حکمرانی فرهنگی باید مورد توجه جدی قرار گیرد. مالکیت فکری، تنها یک اصل حقوقی نیست بلکه فناوری نرم در خدمت اقتصاد فرهنگ است. اگر این مفهوم در شورا نهادینه و اجرا شود، بسیاری از موانع حقوقی و اجرایی تولیدکنندگان برطرف خواهد شد.

پیشنهاد مشخص من تدوین یک «سند حکمت و حکمرانی فرهنگ عمومی» است که سه رکن میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی را به‌عنوان عناصر بنیادین این حکمرانی دربرگیرد. ما در شورای عالی انقلاب فرهنگی در حال طراحی این مدل حکمرانی هستیم؛ مدلی که ریل‌گذاری آن را آغاز کرده‌ایم تا آیندگان با خردورزی و تدبیر، آن را ادامه دهند.

اکنون که در رأس این وزارتخانه مجموعه‌ای دغدغه‌مند، عقلانی و متخصص حضور دارد، انتظار می‌رود فعالان میدانی نیز مشارکت جدی‌تری در تدوین و اجرای این اسناد داشته باشند. چراکه سندی که از دل میدان برخاسته باشد، اثربخش‌تر از هر توصیه کلی و انتزاعی است.

میراث فرهنگی، نه امری تفننی، بلکه تجلی‌گاه هویت و حکمتی است که اگر به آن با رویکرد تمدنی نگریسته شود، می‌تواند یکی از ستون‌های اصلی حکمرانی فرهنگی جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب باشد.

نگاه‌های تقلیل‌گرایانه، رویکرد آنان جامع، حکیمانه و برآمده از درک عمیق نسبت به ظرفیت‌های تمدنی و معیشتی این حوزه‌هاست. ما به‌جای نگاه جزء-نگر به صنایع‌دستی صرفاً از منظر تنوع محصول یا گردشگری فقط از منظر درآمد، نیازمند نگاهی کلان‌نگر به حکمرانی این حوزه‌ها هستیم؛ نگاهی که حکمت، معیشت، صنعت و فرهنگ را درهم‌تنیده ببیند.

یکی از گام‌های اساسی در این مسیر تدوین اسناد ملی برای سه‌گانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی است. تدوین سند ملی صنایع‌دستی با مشارکت بیش از ۱۳۰۰ فعال و اندیشمند این حوزه، نمونه‌ای موفق از رویکرد مشارکتی و حکیمانه در سیاست‌گذاری است. این سند، نه یک متن اداری بلکه یک نقشه راه فرهنگی-اقتصادی است که هم به حفظ و ترویج هویت ملی می‌انديشد و هم به ارتقای جایگاه تولیدکنندگان این عرصه در بازارهای داخلی و جهانی.

ما نیازمند اسنادی هستیم که صرفاً راهبردی نباشند، بلکه راهبری کنند؛ نه در طاقچه‌ها خاک بخورند، بلکه در میدان اجرا چراغ راه باشند. پس از تدوین اسناد، مرحله «تنظیم‌گری» آغاز می‌شود؛ یعنی ایجاد سازوکارهای قانون‌گذاری، ساختارسازی، گفتمان‌سازی، نظارت و ارزیابی. تنظیم‌گری درست می‌تواند موانع صادرات صنایع‌دستی، چالش‌های گردشگری

در اندیشه تمدنی جمهوری اسلامی ایران، میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی نه صرفاً مقولاتی اقتصادی یا تزیینی، بلکه ارکان حکمرانی فرهنگی و نمادهای هویتی، تمدنی و حکمت‌محور محسوب می‌شوند. خوشبختانه امروز وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی با مدیریتی حکمت‌بنیان و عقلانی، گام‌های مؤثری در جهت پیوند این سه حوزه با حکمرانی فرهنگی برداشته است.

در جلساتی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی با مدیران این وزارتخانه برگزار شده، مشاهده می‌شود که برخلاف